یادداشت

عید مبعث منبع بازخوانی اهداف تمدن اسلامی

بهمن دهستانی | عید مبعث از اعیاد بزرگ اسلامی و یکی از روزهای بی‌نظیر در تاریخ بشر است که از نگاه مسلمانان سرآغاز هدایت دوباره انسان توسط نبی خاتم(ص) است. در میان دیگر مذاهب اسلامی این عید با نام معراج و اسرا برزگ داشته می‌شود و جهان اهل سنت آن را سالروز معراج نبی مکرم اسلام(ص) می‌دانند. از هر دو منظر شیعه و سنتی عید مبعث و معراج یک مناسبت افتخارآمیز و تحول‌ساز در تاریخ اسلام است که آثار تمدنی و هویتی فراوانی بر جای گذاشته است. مهم‌ترین سند قداست و حرمت مسجدالاقصی و قدس که آن را جزئی از مقدسات اسلامی نموده به تصریح قرآن، اسرا و معراج بوده و از این رو برزگ‌ترین مسئله و چالش جهان اسلام یعنی مسئله فلسطین از یک اصالت و اتکای اعتقادی عمیق برخوردار است. در میان متفکران مسلمان معاصر، بعثت یک از منابع الهام‌بخش درزمینه تقویت نهضت بیداری اسلامی به شمار رفته است. شهید مطهری آن را نقطه عطفی در تکامل تاریخ می‌داند و اقامه قسط و عدل را از اهداف بزرگ بعثت می‌شمارد. از همین رو عدالت گستری و مقابله با ظلم که موجب تحولات اجتماعی گسترده می‌شود در ذات مبعث نهاده شده است. مناسبت مبعث موجب نظریه‌پردازی‌های عمیقی در حوزه معارف اسلامی و نظام‌باورهای انسان مسلمان معاصر توسط متفکران اسلامی ژرف‌اندیش شده و بسیاری از چهره‌های فکری نهضت بیداری اسلامی در ایران، احیای تمدن نوین مسلمانان را ببدون عنایت به مبعث مقدور نمی‌دانستند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از این منظر یکی از صاحبنظران برجسته این مسئله به شمار می‌روند و بر این باورند علم و عدالت و اخلاق سه رکن یک روی سکه را شکل داده و به مسلمانان عرضه کرده است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «مبعث در حقیقت پرچم علم و معرفت را برافراشت. بعثت با «اقرء» شروع شد؛ «اقرء باسم ربک الذی خلق» و با «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة» ادامه یافت؛ یعنی دعوت به‌همراه با حکمت. در حقیقت، دعوت اسلامی گسترش و پراکندن حکمت در سراسر عالم و در طول تاریخ است؛ همچنان که بعثت، پرچم‌داری و برافراشته شدن پرچم عدل است؛ یعنی در میان مؤمنان، بندگان خدا و آحاد بشر، عدالت استقرار پیدا کند؛ همچنان که رسالت، برافراشتن پرچم اخلاق و الگوی انسانی است؛ «بعثت لأتمم مکارم الاخلاق».

جوامع بشری در دنیا، مبدأ تاریخ‌های رسمی و متداول امروزی را مرتبط با وجود انبیای الهی قرار داده‌اند؛ این تصمیم نشان می‌دهد اینها مهم‌ترین اشخاص تاریخ و بعثت آنان بزرگ‌ترین رویدادهای ادوار زندگی بشر بوده است، چرا که مبدأ حرکت جوامع قرار می‌گیرد. به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب در توصیف منزلت بعثت، هیچ حادثه‌ای از قبیل انقلاب‌های بزرگ، مرگ‌ها و حیات‌های ملت‌ها، پدید آمدن اشخاص بزرگ، از بین رفتن اشخاص بزرگ و ظهور مکتب‌های گوناگون، اهمیتش برای بشریت به اندازه بعثت انبیا نیست؛ همچنان که ماندگارترین شکل‌های فکر و ذهن آحاد بشر، همان شکل‌هایی است که انبیاء آن‌ها داده‌اند و تا ابد هم همین طور خواهد بود.

این دیدگاه‌های فاخر نسبت به مبعث و عید مبعث تأکید می‌کند به هر میزان جلوه‌های این وقایع تقویت و تأمل و تفکر درباره آن افزون شود و همزمان در عرصه‌های فکری و فرهنگی و اجتماعی معاصر موجد توجه دانشوران و آحاد مردم قرار گیرد موجب ارتقای سطح باورها و دیدورزی‌ها خواهد شد و از همه مهم‌تر می‌تواند به بازآرایی نظام بینشی و دستگاه اداره دینی اجتماع منجر شود چرا که شناخت اهداف دین با شناخت اهداف بعثت ارتباط مستقیم دارد.

موعظه

آیت‌الله حائری شیرازی

انبیاء آمده‌اند تا خبر از عطایای بزرگ تر خدا بدهند

انبیا(ع) آمده‌اند که ما را بیدار کنند و بگویند برای رسیدن به عطای کوچک خدا عجول نباشید تا عطایای بزرگ‌تر را هم به شما بدهد. نعمت‌های خدا را از چنگ یک‌دیگر بیرون نیاورید. این نعمت‌های کوچک را واگذارید تا نعمت‌های بزرگی را که در پیش است به شما بدهند.

متوجه نشدم و گفتم شاید آن‌ها کم اشتها هستند. همین که من افطار را تمام کردم، دیدم مرغ آمد، برنج خوب و خوش بو و خورش هم آمد؛ اما دیگر اشتها نداشتم و با همان غذاهای اولی سیر شده بودم.

انبیا آمده‌اند بگویند مثل فلانی نشوید؛ این‌ها کتلت است و پشت این کتلت‌ها، مرغ است؛ شکم خودتان را از این غذاها پرنکنید؛ با دوست ما هستند، اگر به ما گفتند فلان کار را نکنید، خیال کردیم مزاحم آزادی و مانع راحتی ما شده‌اند؛ حال آنکه می‌خواستند به ما بگویند: این را بگذار تا آنچه را بهتر است، به تو بدهند. تو که چند دست نداری! اگر دست را پُر کنی دیگر چطور می‌توانی از آن چیز بهتر برداری؟!

محسن فاطمی نژاد | برای درک عظمت تحولی که پیغمبر اکرم(ص) آن را طرح‌ریزی و پیاده کرد، نگاهی به مختصات جغرافیایی و فرهنگی و خصائل مردم عربستان آن دوران ضروری به نظر می‌رسد. بیابان‌گرد یا عرب بدوی که غالب مردم آن روزگار را تشکیل می‌داد، فکرش از مفهوم قبیله تجاوز نمی‌کرد، هیچ‌گاه فکر اجتماعی نداشت و از حدود نفع فردی فراتر نمی‌رفت، محیط خشن بادیه نیز در این بین مدام در همیه این تمایل به انفرادطلبی می‌دمید. از طرف دیگر، عرب شهرنشین نیز چون بر سر راه‌های تجارتی واقع شده بود، مترصد فرصت بود و همان روحیه منفعت‌طلبی را داشت. در چنین فضا و محتصاتی، محمد بن عبدالله(ص) از طرف خداوند به این رسالت برانگیخته شد که عرب بدوی را که به چیزی ورای قبیله فکر نمی‌کرد، در قامت امت سامان دهد و عرب شهرنشین بازرگان را به این باور برساند که نه تنها باید به مفهوم اخوت فکر کند بلکه همان عرب بدوی را برادر بخواند و با ایثار، گاهی او را بر خود مقدم بدارد.

ما در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام دکتر احمد رهنمایی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) و دانش‌آموخته دکترای تعلیم و تربیت از دانشگاه ملک کیل کانادا در خصوص چگونگی به نتیجه رساندن طراحی خداوند توسط رسول(ص) و سازوکارهای آن گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ با آنچه تاریخ در خصوص مختصات دوران بعثت و مخاطب آن دوران حضرت رسول(ص) در اختیار ما قرار داده است این ایشان با چه آموزه‌های تربیتی و فراتر از آن به تقابل با این فرهنگ و تغییر آن مبادرت ورزید؟

به روایت تاریخ و خصائل مردم عربستان آن دوران ضروری به نظر می‌رسد، بیابان‌گرد یا عرب بدوی که غالب مردم آن روزگار را تشکیل می‌داد، فکرش از مفهوم قبیله تجاوز نمی‌کرد، هیچ‌گاه فکر اجتماعی نداشت و از حدود نفع فردی فراتر نمی‌رفت، محیط خشن بادیه نیز در این بین مدام در همیه این تمایل به انفرادطلبی می‌دمید. از طرف دیگر، عرب شهرنشین نیز چون بر سر راه‌های تجارتی واقع شده بود، مترصد فرصت بود و همان روحیه منفعت‌طلبی را داشت. در چنین فضا و محتصاتی، محمد بن عبدالله(ص) از طرف خداوند به این رسالت برانگیخته شد که عرب بدوی را که به چیزی ورای قبیله فکر نمی‌کرد، در قامت امت سامان دهد و عرب شهرنشین بازرگان را به این باور برساند که نه تنها باید به مفهوم اخوت فکر کند بلکه همان عرب بدوی را برادر بخواند و با ایثار، گاهی او را بر خود مقدم بدارد.

ما در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام دکتر احمد رهنمایی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) و دانش‌آموخته دکترای تعلیم و تربیت از دانشگاه ملک کیل کانادا در خصوص چگونگی به نتیجه رساندن طراحی خداوند توسط رسول(ص) و سازوکارهای آن گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ با آنچه تاریخ در خصوص مختصات دوران بعثت و مخاطب آن دوران حضرت رسول(ص) در اختیار ما قرار داده است این ایشان با چه آموزه‌های تربیتی و فراتر از آن به تقابل با این فرهنگ و تغییر آن مبادرت ورزید؟

ضروری به نظر می‌رسد، بیابان‌گرد یا عرب بدوی که غالب مردم آن روزگار را تشکیل می‌داد، فکرش از مفهوم قبیله تجاوز نمی‌کرد، هیچ‌گاه فکر اجتماعی نداشت و از حدود نفع فردی فراتر نمی‌رفت، محیط خشن بادیه نیز در این بین مدام در همیه این تمایل به انفرادطلبی می‌دمید. از طرف دیگر، عرب شهرنشین نیز چون بر سر راه‌های تجارتی واقع شده بود، مترصد فرصت بود و همان روحیه منفعت‌طلبی را داشت. در چنین فضا و محتصاتی، محمد بن عبدالله(ص) از طرف خداوند به این رسالت برانگیخته شد که عرب بدوی را که به چیزی ورای قبیله فکر نمی‌کرد، در قامت امت سامان دهد و عرب شهرنشین بازرگان را به این باور برساند که نه تنها باید به مفهوم اخوت فکر کند بلکه همان عرب بدوی را برادر بخواند و با ایثار، گاهی او را بر خود مقدم بدارد.

ما در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام دکتر احمد رهنمایی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) و دانش‌آموخته دکترای تعلیم و تربیت از دانشگاه ملک کیل کانادا در خصوص چگونگی به نتیجه رساندن طراحی خداوند توسط رسول(ص) و سازوکارهای آن گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ با آنچه تاریخ در خصوص مختصات دوران بعثت و مخاطب آن دوران حضرت رسول(ص) در اختیار ما قرار داده است این ایشان با چه آموزه‌های تربیتی و فراتر از آن به تقابل با این فرهنگ و تغییر آن مبادرت ورزید؟

به روایت تاریخ و خصائل مردم عربستان آن دوران ضروری به نظر می‌رسد، بیابان‌گرد یا عرب بدوی که غالب مردم آن روزگار را تشکیل می‌داد، فکرش از مفهوم قبیله تجاوز نمی‌کرد، هیچ‌گاه فکر اجتماعی نداشت و از حدود نفع فردی فراتر نمی‌رفت، محیط خشن بادیه نیز در این بین مدام در همیه این تمایل به انفرادطلبی می‌دمید. از طرف دیگر، عرب شهرنشین نیز چون بر سر راه‌های تجارتی واقع شده بود، مترصد فرصت بود و همان روحیه منفعت‌طلبی را داشت. در چنین فضا و محتصاتی، محمد بن عبدالله(ص) از طرف خداوند به این رسالت برانگیخته شد که عرب بدوی را که به چیزی ورای قبیله فکر نمی‌کرد، در قامت امت سامان دهد و عرب شهرنشین بازرگان را به این باور برساند که نه تنها باید به مفهوم اخوت فکر کند بلکه همان عرب بدوی را برادر بخواند و با ایثار، گاهی او را بر خود مقدم بدارد.

ما در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام دکتر احمد رهنمایی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) و دانش‌آموخته دکترای تعلیم و تربیت از دانشگاه ملک کیل کانادا در خصوص چگونگی به نتیجه رساندن طراحی خداوند توسط رسول(ص) و سازوکارهای آن گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ با آنچه تاریخ در خصوص مختصات دوران بعثت و مخاطب آن دوران حضرت رسول(ص) در اختیار ما قرار داده است این ایشان با چه آموزه‌های تربیتی و فراتر از آن به تقابل با این فرهنگ و تغییر آن مبادرت ورزید؟

■ با توجه به الگو بودن پیامبر اکرم(ص) در تمام ابعاد زندگی، در مواجهه با مسائل و مشکلات، چگونه می‌توان از سیره پیامبر برای حل مشکلات امروز استفاده کرد؟

**■ بحث از «الگو» شد؛ در این مواقع صحبت از این است که چطور در آن فضا الگویی مثل پیغمبر اکرم(ص) سر بلند می‌کند؟ الگو معمولاً جاهایی است که درمی‌مانیم و تحت تأثیر فضاها و جوهای غالب قرار می‌گیریم، در این موقعیت یک نفر نمایان می‌شود و برعکس آن جریان را نشان می‌دهد. درست برعکس مسیری که جامعه آن زمان طی می‌کرد، پیامبر ظاهر می‌شود که اتفاقاً از وصف «امین» هم برخوردار است و مردم به او و رفتار و قولش اطمینان دارند و او را پاک‌ترین فرد می‌دانند. این فرد می‌تواند الگو باشد و وقتی الگو باشد می‌تواند مبشر باشد و به خوبی‌ها بشارت دهد؛ وقتی الگو باشد می‌تواند نذیر باشد و درزمینه مخاطرات جدی که بشر گرفتارش خواهد شد، بیم دهد. وقتی الگو و مبشر و نذیر شد، آن موقع زمینه‌ای است برای اینکه به فرمان خدا مردم را به سوی خدا دعوت کند. در مقام دعوت باید چراغ فروزان باشد یعنی بسوزد تا دیگران روشن شوند. این‌ها اوصافی برای پیغمبر است و به این سادگی نبوده که پیامبر بیایند و یک چیزی را بگویند و بلافاصله تحولی ایجاد شود. شرایط عجیبی حاکم بوده تا حدی که در سال ۱۳ بعثت حتی خویشاوندان پیامبر که در ذیل آن‌ها یکی دو نفر از عموها و عموزادگان و عمه‌زادگان و بستگان پیامبر بودند، جمع می‌شوند و جلسه مخفیانه‌ای را تشکیل می‌دهند و تصمیم می‌گیرند از ۴۰ قبیله و از هر قبیله یک نفر را برای ترور شبانه پیامبر انتخاب کنند.

پیش از آن در شعب ابی‌طالب آن شرایط را به‌وجود آوردند به‌طوری که وقتی ثروتمندترین شخصیت قریش، حضرت خدیجه کبری(س) پس از سه سال تحمل درد و رنج رحلت نمودند، حتی پارچه مناسبی برای کفن کردن ایشان وجود نداشت. آن هم با آن همه ثروتی که پیامبر با بذل و بخشش حضرت خدیجه کبری(س) در راه اسلام با طیب خاطر و رضایت صرف کردند.

تازه این‌ها پیش از هجرت است، پس از هجرت هم پیغمبر اکرم(ص) انواع و اقسام مرارت‌ها را متحمل شدند. چنین فردی می‌خواهد چنین رسالتی را به منصه ظهور برساند؛ طبیعی است که اثر می‌گذارد و می‌تواند ذهن‌ها را متوجه کمالات و آیات الهی نموده و به مسیری که باید هدایت کند. گاه با به سادگی گزارش می‌دهیم که همان قرائت است، یعنی می‌خوانیم و عبور می‌کنیم ولی گاه تلاوت می‌کنیم؛ یعنی ما نیز مأمور به تلاوت اوضاع آن زمان می‌شویم و باید دقت کنیم و شرایط را کاملاً با همدیگر در نظر بگیریم و وضعیت‌ها را فقط به یک سمت و سوی خاص گرا ندهیم. از جهت مالی و جانی، اعتقادی و همه جهات، فردی است که به میدان آمده و مردم را به سوی دین خدا دعوت می‌کند. این همان اوصافی است که عرض کردم در دو آیه خداوند پیامبر را به آن توصیف می‌کند و مهم‌تر از همه، وجه سراجاً منیراً یا چراغ نورانی است که راه را نشان می‌دهد ولو به قدمت تلف شدن جان خودش باشد.

قرآن در این خصوص به نوعی می‌خواهد پیامبر را آرام کند «طه، ما انزلنا علیک القرآن لتشقی» ای پیامبر طیب و طاهر و هدایت یافته ما، ما قرآن را به تو نازل نکردیم که خودت را به مشقت بیندازی تا آن آیه که می‌گوید نزدیک است جان خودت را فدا کنی، در چنین موقعیتی در مجموع به ذهنم می‌رسد هر کسی که این رویه را در راه حق در پیش بگیرد و وجودش را برای مردم سرمایه کند، تأثیرگذار است؛ نمونه‌اش را ما در همین دوران خودمان و انقلاب اسلامی دیدیم.

**■ بحث از «الگو» شد؛ در این مواقع صحبت از این است که چطور در آن فضا الگویی مثل پیغمبر اکرم(ص) سر بلند می‌کند؟ الگو معمولاً جاهایی است که درمی‌مانیم و تحت تأثیر فضاها و جوهای غالب قرار می‌گیریم، در این موقعیت یک نفر نمایان می‌شود و برعکس آن جریان را نشان می‌دهد. درست برعکس مسیری که جامعه آن زمان طی می‌کرد، پیامبر ظاهر می‌شود که اتفاقاً از وصف «امین» هم برخوردار است و مردم به او و رفتار و قولش اطمینان دارند و او را پاک‌ترین فرد می‌دانند. این فرد می‌تواند الگو باشد و وقتی الگو باشد می‌تواند مبشر باشد و به خوبی‌ها بشارت دهد؛ وقتی الگو باشد می‌تواند نذیر باشد و درزمینه مخاطرات جدی که بشر گرفتارش خواهد شد، بیم دهد. وقتی الگو و مبشر و نذیر شد، آن موقع زمینه‌ای است برای اینکه به فرمان خدا مردم را به سوی خدا دعوت کند. در مقام دعوت باید چراغ فروزان باشد یعنی بسوزد تا دیگران روشن شوند. این‌ها اوصافی برای پیغمبر است و به این سادگی نبوده که پیامبر بیایند و یک چیزی را بگویند و بلافاصله تحولی ایجاد شود. شرایط عجیبی حاکم بوده تا حدی که در سال ۱۳ بعثت حتی خویشاوندان پیامبر که در ذیل آن‌ها یکی دو نفر از عموها و عموزادگان و عمه‌زادگان و بستگان پیامبر بودند، جمع می‌شوند و جلسه مخفیانه‌ای را تشکیل می‌دهند و تصمیم می‌گیرند از ۴۰ قبیله و از هر قبیله یک نفر را برای ترور شبانه پیامبر انتخاب کنند.

گذشت از جان، مال، زندگی، آسایش و آرامش خودشان اقدام می‌کردند و به تمام معنا یک مجاهد حقیقی بودند. در آیات ۴۵ و ۴۶ سوره احزاب آمده: «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً و...»؛ این‌ها اوصاف پیامبر در مقام تلاوت، تزکیه و تعلیم است که ای پیامبر، ما تو را فرستاده‌ایم تا گواه حال مردم باشی یعنی در آن جمع بگویی شما یک کار انجام می‌دهید که این کارتان کاملاً جاهلانه است و من می‌توانم الگویی برای کار مفید و مؤثر و سعادتمندانه شما شوم.

می‌گوییم پیامبر چطور آن جامعه را از آن منجلاب و بدبختی نجات دادند و به جایی رساندند که سرآمد آفاق و جهان شدند و مانند خورشید فروزان که عالمگیر خواهد شد، همچنان به پیش می‌رود تا این مسیر را طی کند و به آنچه مورد خواست و اراده خداست برسد؟ وقتی ذهن‌ها آماده و روان‌ها مهیا شد، آن موقع به تزکیه و تعلیم اقدام کردند که حالا خود تزکیه و تعلیم جای بحث دارد.

■ به هر حال این فراخوان باید بتواند تصویری از یک روبای اجتماعی آینده را برای مردم ترسیم کند؟

بله، به همین دلیل است که قرآن می‌گوید «یتلوا علیهم آیاته...»، همین عنوان «آیات» نشانه‌های قدرت و حکمت الهی و رحمت خداوند و برکات در مسیری است که پیامبر اکرم(ص) ترسیم می‌کنند. در مجموع بخشی از آیات، حال و وضعیت فعلی انسان را بیان می‌کنند مثلاً همین غرق بودن در فساد و تباهی و در بخش دیگر، مسیر را تعیین می‌کند یعنی آن‌گونه که متضمن نشانه‌هایی باشد که اگر انسان در آن مسیر پا بگذارد، باتوجه به آن نشانه‌ها گمراه نشود.

یک بخش دیگر از آیات نیز مربوط به فرجام و نتیجه پیروی از این راه است. یعنی پس از بیان مجموعه آیات، همان جهاد تبیین حاصل می‌شود. در مجموع پیامبر یک جورهایی نه فقط آیات را تلاوت می‌کردند بلکه تا سرحد خلاق و متانت انجام پذیرد و کسی که مجاهد این راه است به راهش مطمئن باشد، با یقین و باور به این مسیر وارد شود و در مصاف با خوانش‌های گوناگون به خوانشی که به آن رسیده، اطمینان کامل داشته باشد، می‌تواند دیگران را تحت تأثیر قرار دهد و حرف خود را به کرسی بنشاند. چنین حالتی را می‌توانیم در خصوص تلاوت در نظر بگیریم و این دیگر فرازمانی، فراعصری، فرانسلی و فراقومی است و در هر جامعه‌ای که به تناسبِ مختلف انحرافی از زندگی داشته باشند، این کار می‌تواند با مصاف و آن‌ها یک کار موفقی شود.

حجت‌الاسلام دکتر احمد رهنمایی از مختصات رسالت پیامبر ﷺ در دوران بعثت می‌گوید

نسخه نخست جهاد تبیین

برای آگاهی او، آن را می‌گوییم. کار دیگری که تلاوت می‌کند، غفلت‌زدایی است که در اصطلاح تربیتی به «تنبیه الغافل» تعبیر می‌شود، به این معنا که انسان‌های خواب‌زده را متنبه می‌کردند. غفلت‌زدایی اثر دوم تلاوت است. اثر سومی نیز برای تلاوت مترتب است که آن، هدایت و حمایت است؛ یعنی بیایید، من نیز از جانب خدا آمده‌ام و شما را در این مسیر هدایت و حمایت کرده و پشتیبانی می‌دهم. تمام این سه مجموعه به نوعی در امر تلاوت متجلی است که با هم کاری را انجام می‌دهند تا زمینه برای دریافت تزکیه و تعلیم فراهم شود.

امروزه آنچه با عنوان «جهاد تبیین» توسط رهبر معظم انقلاب به کار برده می‌شود، یک نسخه از همان تلاوت است به خصوص اینکه باید با اخلاق، متانت و انصاف توأم باشد. رهبری نیز تأکید دارند عاملی که بیش از همه تأثیر را در این مسیر جهاد می‌کنند، خب این جهاد تبیین متعلق به عرصه جنگ نیست، بلکه یک ساحتی است که تفاسیر و تعابیر در مورد یک امر خوانش‌ها و زمانی است که تفاسیر و تعابیر در مورد یک امر تعلیم فراهم می‌شود. در این مواقع همه باید خوانش خودشان را مسلط کنند، مثل عصر جاهلیت که یک گروه عظیمی قرن‌ها به کار جاهلانه خود عادت کرده بودند و می‌خواستند به خصوص اینکه باید با کرسی بنشانند، در مقابلشان تلاوتی می‌آید که مثل عصای موسی همه آن گفته‌ها و خوانش‌ها را می‌بلعد.

خب این جهاد تبیین چه زمانی دارد که اگر درست و همراه با جهاد تبیین نیز چنین اثری دارد که اگر درست و همراه با خوانش‌ها و زمانی است که تفاسیر و تعابیر در مورد امر تعلیم فراهم شود.

■ با توجه به الگو بودن پیامبر اکرم(ص) در تمام ابعاد زندگی، در مواجهه با مسائل و مشکلات، چگونه می‌توان از سیره پیامبر برای حل مشکلات امروز استفاده کرد؟

فردی می‌خواهد چنین رسالتی را به منصه ظهور برساند؛ طبیعی است که اثر می‌گذارد و می‌تواند ذهن‌ها را متوجه کمالات و آیات الهی نموده و به مسیری که باید هدایت کند. گاه با به سادگی گزارش می‌دهیم که همان قرائت است، یعنی می‌خوانیم و عبور می‌کنیم ولی گاه تلاوت می‌کنیم؛ یعنی ما نیز مأمور به تلاوت اوضاع آن زمان می‌شویم و باید دقت کنیم و شرایط را کاملاً با همدیگر در نظر بگیریم و وضعیت‌ها را فقط به یک سمت و سوی خاص گرا ندهیم. از جهت مالی و جانی، اعتقادی و همه جهات، فردی است که به میدان آمده و مردم را به سوی دین خدا دعوت می‌کند. این همان اوصافی است که عرض کردم در دو آیه خداوند پیامبر را به آن توصیف می‌کند و مهم‌تر از همه، وجه سراجاً منیراً یا چراغ نورانی است که راه را نشان می‌دهد ولو به قدمت تلف شدن جان خودش باشد.

قرآن در این خصوص به نوعی می‌خواهد پیامبر را آرام کند «طه، ما انزلنا علیک القرآن لتشقی» ای پیامبر طیب و طاهر و هدایت یافته ما، ما قرآن را به تو نازل نکردیم که خودت را به مشقت بیندازی تا آن آیه که می‌گوید نزدیک است جان خودت را فدا کنی، در چنین موقعیتی در مجموع به ذهنم می‌رسد هر کسی که این رویه را در راه حق در پیش بگیرد و وجودش را برای مردم سرمایه کند، تأثیرگذار است؛ نمونه‌اش را ما در همین دوران خودمان و انقلاب اسلامی دیدیم.

لا یتیئم امر
الله سبحانه
لا من
لا یضایع و
لا یضارع
و لا یتبع
المطامع

بر پا ندارد فرمان‌های خداوند سبحان را ، جز کسی که سازش کند و خود را خوار نمی سازد و از طمع ها پیروی نمی کند.

تحت لـــاه و املاک حوزه ثبت ملک نرت حیدریه

هیات موقوفی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موقوفی ۴ ماه و ۱۳ روز تأخیر تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر ماده ۳ و ۷ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر اساسنامه ثبت ملک ثبت حیدریه ثبت ملک ثبت حیدریه ۰۸۵۳۸۱ - ۱۴۰۰۶۰۳۶۰۰۰۲۰۲۵ و ۱۴۰۰۶۰۳۶۰۰۰۲۰۲۵ هیات اول موقوفی ثبت ملک ثبت حیدریه به آگاهی میرساند که بانظر مدیر عامل و اعضای هیات مقاله و بلامعارض متقاضی اداره ثبت صحیح تشخیص گردید تقاضای ثبت ملک ثبت حیدریه ۱۳۸۵ مقدار ۲ زاده حسین به شناسنامه ۲۱۵۱ فرع ۱۸۰ بخش ۲۴۰ مورد